

لندن ۳ فوریه ۱۹۹۹

دوست بسیار عزیزم آمانی مادر مادر لور
درود بی پایان بر شما باد و برای سادسی و شکر شما بابت همه چیز
تولد مبارک آمان قد شده بودید، عفاک اللهم آفرینی بود که قدر آن کفتم

اما منم مندا آفریننده
شاهپاز دیوبال یاز بزرگ
سوی بگفته شده روی آینه
ساعت مادر "نفسی و زمان"

در هنر جانوران سماک و کمانت

سند این یادداشت تا ماه روغن ۱۹۹۹ که روزش را نمی دانم، شکر روزی
سند هم شکل نوشتن بعد طوری در یاد ماه آغاز دارد مگر نه این است که
از دانش سما سادم. اگر ماندم روز چنین هم شمارا احترام بوسید و سلام از دور
شام این است که تا علم بر دست ایرانی برزوه در روز
دیده از سر بگذرد که آماده و از وی نیاز

زندگی می کشم و می آفرینم

با هر حال خوش می کنم در این مدت هرگز را بستم و چه که اگر در لندن با
لطفا سلام گرم بران را که بهتر شده برسانید. خیر تازه هزار من هم این است که گویند
شوکم که ۹ سال در دست خانواده ام در ایران بودم و سرانجام به نام

لطفا بیخود نشود